

(مقاله وارده)

از شکوهِ نوروز تا ابهامِ هالووین

بی‌بی‌عزت حسینی*

در عصر حاضر، میدان‌های نبرد از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و به مرزهای ذهنی و فرهنگی کشیده شده است. آنچه امروز با عنوان «جشن‌های بین‌المللی» می‌شناسیم، مانند «هالوین» تنها قرار ملاقات‌هایی برای شادی نیستند و نمی‌توان این موضوع را صرفاً به تفاوت سلیقه‌ها در انتخاب شیوه‌های تفریح و برگزاری جشن‌ها محدود کرد؛ بلکه میدان‌هایی برای تقابل دو جهان‌بینی متفاوت هستند، ترویج آن در چارچوب مفهومی «جنگ فرهنگی» تحلیل می‌شود و هدف آن «بی‌هویت‌سازی» است.

در تاریخ و اسطوره‌شناسی ایران، «نور» تنها یک پدیده فیزیکی نیست، بلکه نماد حقیقت، عدالت و حیات است. از نخستین صفحات متون کهن تا عصر حاضر، آیین‌هایی همچون نوروز و یلدا، همواره بر پیروزی روشنایی بر تاریکی و تداوم حیات بر مرگ تأکید داشته‌اند. نوروز، نه‌تنها آغاز فصل بهار، بلکه نماد تجدید عهد جهان با روشنایی است. حتی در دلِ تاریک‌ترین شب سال، یعنی «شب یلدا»، آنچه برای ایرانیان اهمیت دارد، انتظار طلوع خورشید و پیروزیِ نور بر سیاهی است. این آیین‌ها بر پایه «امید»، «پاکیزگی» و «رشد» بنا شده‌اند؛ مفاهیمی که با روح انسانی و تعالی اخلاقی در پیوند هستند.

آیین‌های ایرانی، آیین‌های زندگی‌اند. نوروز، خانه‌تکانی و آشتی با طبیعت است؛ یلدا، گردهمایی خانواده و امید به روشنایی است؛ این آیین‌ها حافظه جمعی ملت ایران را شکل داده‌اند و پیوند نسل‌ها را استوار کرده‌اند.

در مقابل، پدیده «هالووین» که در میان برخی از افراد رواج یافته با مفاهیم «ترس»، «مرگ» و «جهان ارواح » گره خورده است. اگرچه امروزه این جشن ظاهرا در قالب بازی و هیجان برگزار می‌شود، اما نمادها و مؤلفه‌های سنتی آن همچنان بازتاب‌دهنده تصورات مرتبط با مرگ، ارواح و نیروهای ماوراءالطبیعی است. تفاوت دو سنت ایرانی و غربی را نمی‌توان صرفاً به تفاوت در شیوه تفریح و سرگرمی فروکاست؛ بلکه تفاوت در «جهت‌گیریِ روحی» است؛ یکی به سوی تعالی و نور حرکت می‌کند و دیگری، در سایه‌های ترس و ابهام برجسته می‌شود و معلق می‌ماند.

دشمن در این جنگ شناختی ابتدا باورهای ملی- آیینی را در ذهن جوانان کم‌رنگ می‌کند. به‌عنوان مثال با تهمت عرب‌پرستی پیوند فرد را با دیانت سست می‌کند جوان را نسبت به هویت دینی خود بی‌تفاوت می‌کند و در مرحله بعد با بهانه‌های واهی آیین‌های ملی را کم‌رنگ کرده و در ضمن با ترویج نمادهای بیگانه، جذاب نشان دادن آن ، جوان ایرانی را از هویت ملی و تاریخی خود جدا می‌کند و او را موجودی غرب‌پرست تبدیل می‌کند که نه به آسمان و باورهای دینی وصل است و نه به زمین و ریشه‌های ملی؛ انسانی معلق، مصرف‌کننده و بی‌دفاع در برابر موج فرهنگ بیگانه.

در نگاه دینی، پیروی از سنت‌های بی‌جا که منجر به از دست رفتن ارزش‌های خودی شود، مورد هشدار است. در روایات آمده است که از پیامبر اکرم(ص) درباره پیروی از دیگران پرسیدند، ایشان فرمودند: «مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْم فَهُوَ مِنْهُمْ»؛ هر کس شبیه به قومی شود، از آنان اُست. این روایت مستقیماً به خطری اشاره دارد که اگر هویت خود را فدای شبیه‌سازی فرهنگ‌های دیگر کنیم، در نهایت بخشی از آن فرهنگ خواهیم بود و اصالت خود را از دست می‌دهیم.

از منظر قرآن نیز حفظ هویت فرهنگی به معنای مخالفت با هر فرهنگ دیگری نیست. قرآن هم تنوع فرهنگی را به رسمیت می‌شناسد و هم برای پذیرش یا رد عناصر فرهنگی، معیار حق و عقلانیت را قرار می‌دهد. تلاش برای ذوب شدن در فرهنگ دیگران، برخلاف دستور به «اعتدال» و «حفظ عزت خویشتن» است. البته این به معنای انکار تعامل با جهان و شناخت فرهنگ‌های دیگر نیست؛ سخن در «تقلید کورکورانه» و «ذوب شدن» است، نه «شناخت» و «انتخاب آگاهانه».

نوروز، یلدا و دیگر آیین‌های ملی، صرفاً چند جشن نیستند؛ این‌ها نمادهای زیست‌جهانی ایران، پیوند انسان با طبیعت و تداوم حیات در حافظه تاریخی ما هستند. اگر به بهانه‌های واهی آیین‌های سنتی کم‌رنگ شوند در واقع در حال حذف یک لایه از حافظه جمعی ملت هستیم.

برخی سخن از ضرورت شادی و شاد بودن می‌گویند. شادی، نیاز طبیعی و حق انسانی است. اما باید پرسید: شادی حقیقی چیست؟ شادی‌ای که بر پایه امید، پیوند خانوادگی، آشتی با طبیعت و تعالی اخلاقی بنا شده یا شادی‌ای که تنها از طریق ماسک، ترس، هیجان زودگذر و تقلید از نمادهای بیگانه به دست آید، و کاذب و گذراست. نوروز با خانه‌تکانی، صله‌رحم و احترام به بزرگان، شادی‌ای می‌سازد که ریشه در زندگی دارد و پایدار است و یلدا با گردهمایی خانواده و امید به روشنایی، شادی‌ای می‌سازد که از دل تاریکی، نور می‌سازد.

اکنون بر سر یک دو راهی قرار داریم، اگر امروز از باورهای دینی و نمادهای ملی خود غافل شویم، فردا باید در برابر نسلی بایستیم که نه ریشه دینی دارد و نه پیوند ملی. بنابراین، پاسداشت نوروز، یلدا و دیگر آیین‌های ملی و ارزش‌های دینی، پاسداشت «خود بودن» است در برابر موج‌های بی‌هویت‌ساز. این دفاع، نه تعصب است و نه انکار شادی؛ بلکه دعوت به شادی حقیقی، هویت آگاهانه و زندگی در نور است.

*دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث

صیانت از کودکان در فضای مجازی؛ خلأهای قانونی کجاست؟

قانون اساسی مبنای حمایت از کودکان در فضای مجازی را فراهم کرده است؛ با این حال، بررسی این مقررات نشان می‌دهد چالش‌هایی در زمینه ضمانت اجرا و توانمندسازی خانواده‌ها همچنان باقی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صورت مستقیم و تفصیلی به نظام حقوق کودک و نوجوان در فضای مجازی نپرداخته است، اما اصول متعددی در آن وجود دارد که می‌توان از ظرفیت‌هایشان برای حمایت از این گروه سنی استفاده کرد. در دفتر آبی که توسط پژوهشگاه فضای مجازی منتشر شده است با عنوان «نظام حقوق کودک و نوجوان در فضای مجازی؛ مطالعه نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، به اصول مرتبط با این موضوع در سه دسته مبانی و جهت‌گیری‌های کلان حاکمیت، حقوق و آزادی‌ها و محدودیت‌های اشخاص و همچنین ساختارهای حاکمیتی مورد نیاز برای حمایت از کودکان پرداخته است. یکی از اصول مهم در این زمینه، اصل چهارم قانون اساسی است که بر ضرورت ابتنای همه قوانین و مقررات بر موازین اسلامی تأکید دارد. براساس این اصل، نظام حقوقی مربوط به کودکان و نوجوانان در فضای مجازی نیز باید با موازین اسلامی سازگار باشد و در طراحی آن، ارزش‌های دینی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

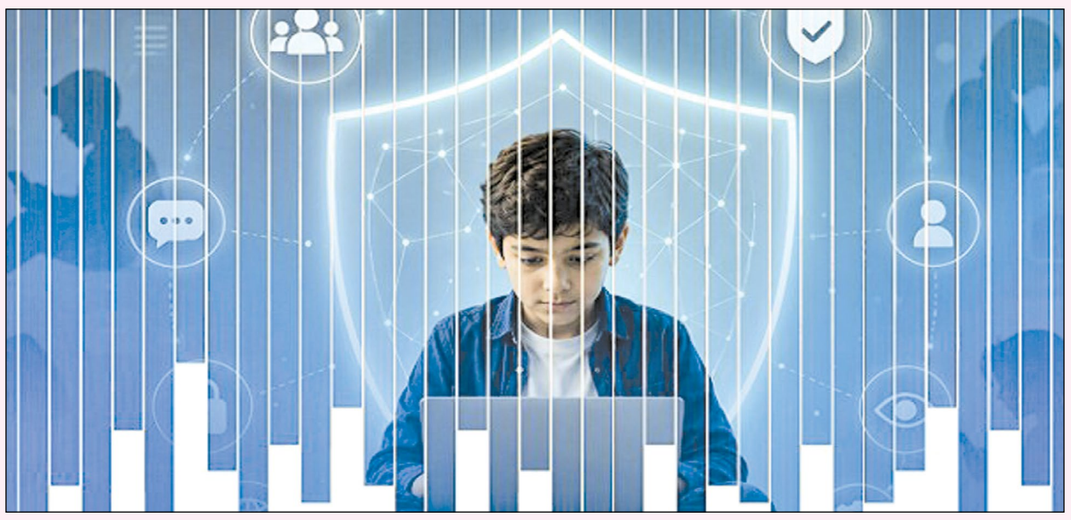
اصل دهم قانون اساسی نیز خانواده را واحد بنیادی جامعه اسلامی معرفی می‌کند و بر ضرورت پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی تأکید دارد. بر همین اساس، کودک در موضوع صیانت از فضای مجازی نباید جدا از بستر خانواده در نظر گرفته شود. این مطالعه نقش خانواده را در حمایت از کودک مهم می‌داند و معتقد است که در اسناد حقوقی موجود، نقش‌آفرینی خانواده‌ها به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. اصل هشتم قانون اساسی نیز با طرح وظیفه همگانی و متقابل امر به معروف و نهی از منکر، بر مسئولیت مردم و دولت در قبال یکدیگر تأکید می‌کند. از نگاه این مطالعه، صیانت از کودکان در فضای مجازی صرفاً از مسیر اقدامات حکومتی محقق نمی‌شود و به مشارکت و مسئولیت‌پذیری عمومی نیز نیاز دارد.

مسئولیت دولت در ایجاد محیط سالم

اصل سوم قانون اساسی، دولت را موظف می‌کند همه امکانات خود را برای تحقق اهدافی از جمله ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی و بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی به کار گیرد. دفتر آبی، «نظام حقوق کودک و نوجوان در فضای مجازی؛ مطالعه نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران» با تعمیم این تکالیف به فضای مجازی، بر این نکته تأکید می‌کند که دولت باید از یک‌سو زمینه استفاده سالم و مفید کودکان از این فضا را فراهم کند و از سوی دیگر، با مظاهر فساد و آسیب‌های آن مقابله داشته باشد. کودکان و نوجوانان به‌دلیل ویژگی‌های سنی و نداشتن تجربه و مهارت کافی، در برابر برخی تهدیدهای فضای مجازی آسیب‌پذیرتر هستند. از همین رو، ایجاد محیط مساعد برای رشد و جلوگیری از قرار گرفتن آنان در معرض محتواهای نامناسب، از جمله مسئولیت‌هایی است که در چارچوب اصل سوم قابل بررسی است.

اصل بیست‌ویکم قانون اساسی نیز با اشاره به حمایت از مادران و کودکان بی‌سرپرست، از دیگر ظرفیت‌های حقوقی این حوزه به شمار می‌رود. در این مطالعه، با توجه به جایگاه خانواده و نقش مادر در تربیت فرزندان، بر اهمیت نقش‌آفرینی مادران و خانواده‌ها در صیانت از کودکان در فضای مجازی تأکید شده است. آموزش خانواده‌ها برای مدیریت و کنترل استفاده کودکان از این فضا، از جمله اقداماتی است که می‌تواند در این زمینه مورد توجه قرار گیرد. در کنار این اصول، اصل چهلم قانون اساسی درباره منع سوءاستفاده از حق و وارد کردن زیان به دیگران و اصل سی‌وششم درباره قانونی بودن مجازات‌ها نیز در بررسی نظام حقوقی این حوزه قابل‌توجه‌اند. اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز در ارتباط با ساختار صداوسیما و با توجه به قلمرو فعالیت آن، از دیگر اصول مرتبطی است که در مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از اسناد مهم در این حوزه، «سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی» است. فرآیند تدوین این سند از سال ۱۳۹۵ آغاز شد و در سال ۱۴۰۰ به تصویب رسید. این سند در قالب ۹ سیاست کلان، موضوعاتی مانند ایجاد محیط صیانت‌شده برای کودکان، رده‌بندی محتوا، ارتقای سواد فضای مجازی، آگاه‌سازی والدین و مربیان، پیشگیری از دسترسی به محتوای مضر، برخورد قضائی با تخلفات، مراقبت اجتماعی، مشارکت بخش خصوصی و همکاری‌های بین‌المللی را مورد توجه قرار داده است. سند ملی حقوق کودک و نوجوان نیز از دیگر اسناد بالادستی مرتبط با این موضوع است. این سند در سال ۱۳۹۳ در شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده تصویب شد و در جلسه ۸۰۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۷ بار دیگر به تصویب رسید. ابلاغ آن نیز در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۰ انجام شد. این سند در ۱۴ ماده تنظیم شده و چارچوبی برای توجه به حقوق کودکان و نوجوانان ارائه می‌کند.



کنوانسیون حقوق کودک و حق شرط ایران

کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ در سازمان ملل متحد به تصویب رسید و ایران در اسفند ۱۳۷۲ به آن ملحق شد. الحاق ایران با حق شرطی همراه بود که براساس آن، مفاد کنوانسیون در موارد تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی لازم‌الاجرا نخواهد بود. در روند بررسی این کنوانسیون، شورای نگهبان نسبت به برخی مفاد آن، از جمله بخش‌هایی از مواد ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۲۹ ایرادهایی مطرح کرده است. این موضوع در مطالعه به‌عنوان بخشی از ملاحظات حقوقی ایران درباره پذیرش و اجرای تعهدات بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک مورد بررسی قرار گرفته است.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ از مهم‌ترین قوانین داخلی در زمینه حمایت از این گروه سنی است. این قانون برخی رفتارهای آسیب‌زا علیه کودکان و نوجوانان را جرم‌انگاری کرده و برای مقابله با وضعیت‌های مخاطره‌آمیز، تکالیفی را برعهده نهادهای مختلف قرار داده است. در این قانون، موضوعاتی مانند آزار عاطفی، سهل‌انگاری، بهره‌کشی، ترک تحصیل و ارتباط آنلاین با هدف آزار کودک مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین نهادهایی از جمله قوه قضائیه، سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی و سازمان زندان‌ها در چارچوب این قانون وظایف و مسئولیت‌هایی دارند.

با وجود این ظرفیت‌ها، اهمیت فضای مجازی و شکل‌گیری شیوه‌های جدید آسیب‌رسانی، ضرورت توجه به اجرای مؤثر این قانون را برجسته می‌کند. بخشی از رفتارهای آسیب‌زا ممکن است از طریق ابزارهای ارتباطی و بسترهای آنلاین انجام شوند و شناسایی و پیگیری آن‌ها به همکاری نهادهای مسئول نیاز دارد. قانون جرائم رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۸۸ نیز از قوانین مرتبط با این حوزه است. در این قانون، به‌صورت اختصاصی نظام حقوق کودک و نوجوان در فضای مجازی طراحی نشده، اما برخی جرائم پیش‌بینی‌شده در آن می‌توانند در مواردی که کودکان و نوجوانان قربانی هستند، مورد استناد قرار گیرند.

مواد ۱۴و۱۵ این قانون به انتشار و توزیع محتوای مستهجن و همچنین تحریک، ترغیب یا تسهیل دسترسی افراد به چنین محتواهایی و تشویق به ارتکاب برخی رفتارهای مجرمانه می‌پردازند. مطالعه دفتر آبی با اشاره به این مواد، بر این نکته تأکید می‌کند که قانون جرائم رایانه‌ای متناسب با ویژگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های کودکان و نوجوانان طراحی نشده و در زمینه بازدارندگی و به‌روزرسانی مقررات، ظرفیت‌هایی برای بازنگری وجود دارد.

دستورالعمل ساترا و محدودیت قلمرو اجرا

دستورالعمل صیانت از کودکان در فضای مجازی در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۹ از سوی سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر به رسانه‌های مشمول ابلاغ شد و از ۳۰ اسفند همان سال لازم‌الاجرا بود. این دستورالعمل کاربران زیر ۱۸ سال را کودک و نوجوان در نظر گرفته و برای رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر، تکالیفی در زمینه جلوگیری از انتشار محتوای نامناسب تعیین کرده است. از جمله محتواهای ممنوعه در این دستورالعمل می‌توان به مواردی مانند تحریک یا ترغیب به کودک‌آزاری، آزار جنسی، محتوای مبتذل و مستهجن، ترویج عقاید خرافی و گمراه‌کننده، آموزش اقدامات خطرناک، گفتار و رفتار توهین‌آمیز، تبعیض‌آمیز و نفرت‌پراکن اشاره کرد.

برای رسانه‌های متخلف نیز طیفی از ضمانت اجراها در نظر گرفته شده است؛ از تذکر و اخذ تعهدنامه کتبی تا محدودیت فعالیت، تعلیق و لغو مجوز رسانه. با این حال، مطالعه یادشده به محدود بودن قلمرو این دستورالعمل به رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر اشاره می‌کند؛ محدودیتی که امکان تسری آن به پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی را با چالش مواجه می‌کند. در کنار قوانین و اسناد بالادستی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز اقداماتی را در زمینه توسعه خدمات فضای مجازی کودک دنبال کرده است. یکی از این اقدامات، طرح حمایت از توسعه خدمات فضای مجازی کودک بود که در سال ۱۳۹۶ در پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات انجام شد.

این طرح شامل برنامه‌هایی برای توسعه زیرساخت‌های ارتباطی، محتوایی و اعتمادی، شناسایی و توانمندسازی سکوهای ارائه محتوا، توسعه جویشگر کودک و طراحی سامانه‌های احراز هویت کودکان بود. آموزش کودکان، والدین و مربیان برای ارتقای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، برگزاری رویدادهایی مانند روز اینترنت ایمن و طراحی ابزارهای کنترلی ویژه کودکان نیز در زمره اقدامات پیش‌بینی‌شده قرار داشت. در این برنامه همچنین موضوعاتی مانند تدوین دستورالعمل‌های مورد نیاز، تسهیل همکاری میان ارائه‌دهندگان خدمات و صاحبان سخت‌افزار، نصب پیش‌فرض ابزارهای کنترلی و بازنگری تعرفه خدمات پایه و اینترنت سیم‌کارت‌های کودک مورد توجه قرار گرفته است. مطالعه دفتر آبی به انتشار گزارشی در آبان ۱۳۹۹ درباره راهبردهای افزایش امکان مدیریت حضور کودک در فضای مجازی و رصد فعالیت‌های بخش خصوصی در این حوزه نیز اشاره می‌کند.

۶ چالش اصلی کودکان در فضای مجازی

براساس آنچه در دفتر «نظام حقوق کودک و نوجوان در فضای مجازی؛ مطالعه نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران» آمده، مرکز ملی فضای مجازی ۶ چالش عمده را برای استفاده کودکان و نوجوانان از فضای مجازی شناسایی کرده است. نخستین چالش، نقض حریم خصوصی است. کودکان و نوجوانان به‌دلیل نداشتن مهارت و آگاهی کافی، ممکن است اطلاعات شخصی خود را در اختیار دیگران قرار دهند و در معرض سوءاستفاده قرار گیرند.

دومین چالش، مواجهه ناخواسته با محتواهای نامناسب است. کودکان ممکن است بدون جست‌وجوی مستقیم، با تصاویر و مطالبی روبه‌رو شوند که با سن و شرایط روانی آنان تناسب ندارد. ارتباطات خطرناک و نادرست، سومین مخاطره در این حوزه است. برخی ارتباطات شکل‌گرفته در فضای مجازی می‌توانند امنیت روانی و حتی امنیت فیزیکی کودکان را تهدید کنند. چهارمین چالش به بدافزارها مربوط می‌شود. مهارت فنی پایین کودکان و نوجوانان ممکن است آن‌ها را در برابر ابزارهای مخرب و افرادی که از این طریق سوءاستفاده می‌کنند، آسیب‌پذیر کند.



پنجمین مسئله، سوءاستفاده مالی از کودکان و نوجوانان است. برخی افراد ممکن است با وعده ارائه خدمات، هزینه‌های نامتعارفی از این گروه سنی دریافت کنند. در نهایت، پیوند بیش از اندازه کودک با فضای مجازی نیز از چالش‌های مهم این حوزه به شمار می‌رود؛ مسئله‌ای که می‌تواند بر رشد طبیعی، جسمی و اجتماعی کودک اثر بگذارد و فرصت کسب مهارت‌ها و شکوفایی استعدادهای او را محدود کند.

بررسی مبانی قانون اساسی، اسناد بالادستی و قوانین مرتبط نشان می‌دهد که حمایت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی در نظام حقوقی کشور مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، وجود مقررات به‌تنهائی برای تحقق صیانت کافی نیست و چگونگی اجرا، هماهنگی میان نهادهای مسئول و مشارکت خانواده‌ها نیز اهمیت دارد.

دفتر آبی، «نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران؛ حقوق کودک و نوجوان در فضای مجازی» با مرور ظرفیت‌ها و چالش‌های موجود، بر ضرورت توجه به نقش خانواده در کنار مسئولیت‌های حاکمیت تأکید می‌کند. همچنین محدودیت قلمرو برخی مقررات، نیاز به بازنگری در قوانین و فاصله میان سیاست‌های پیش‌بینی‌شده و ظرفیت اجرائی، از جمله موضوعاتی است که در این بررسی مورد توجه قرار گرفتند. بر این اساس، صیانت مؤثر از کودکان در فضای مجازی مستلزم آن است که سیاست‌ها و مقررات موجود، در کنار آموزش و توانمندسازی خانواده‌ها و ارتقای آگاهی عمومی، به مرحله اجرا برسند.



چرا نوجوان شما یک‌دفعه عوض شد؟

یک روز می‌بینید فرزند آرام و حرف‌گوش‌کن دیروز، به نوجوانی کم‌حوصله، زودرنج و گاهی غیرقابل‌پیش‌بینی تبدیل شده است؛ اما پشت این تغییرات ناگهانی چه می‌گذرد؟

به گزارش خبرگزاری فارس، گاهی همه‌چیز در خانه آرام است تا اینکه یک روز صبح بیدار می‌شوید و می‌بینید از آن کودک حرف‌گوش‌کن و صبوری که سال‌ها می‌شناختید، دیگر خبری نیست. انگار یک‌شبه جای فرزندتان را با فرد دیگری عوض کرده‌اند؛ کسی که با کوچک‌ترین حرفی از کوره درمی‌رود، ساعت‌ها در لاک خودش فرو می‌رود یا رفتارهایی نشان می‌دهد که برای شما کاملاً ناآشناست. این تغییر ناگهانی، بسیاری از والدین را دست‌پاچه و نگران می‌کند؛ اما واقعیت این است که پشت این رفتارهای عجیب، نه لجبازی پنهان شده و نه بی‌ادبی، بلکه یک دگرگونی بزرگ زیستی و روانی در حال رخ دادن است.

سمیه فیروزی، مشاور و درمانگر، در این گفت‌وگو، دلیل این دگرگونی‌های ناگهانی در دوره نوجوانی و راهکار مواجهه درست والدین با این بحران طبیعی را تشریح می‌کند.

نترسید؛ این طوفان کاملاً طبیعی است!

بسیاری از پدر و مادرها در اولین مواجهه با تغییر رفتار فرزندشان شوکه می‌شوند و به‌دنبال مقصر می‌گردند. سمیه فیروزی با اشاره به این غافلگیری والدین می‌گوید: «ناگهان می‌بینید که آن بچه آرام و شیرینِ شما، دیگر مثل قبل نیست؛ یا زود عصبانی می‌شود، یا بیش از حد در فکر فرو می‌رود، یا خجالتی شده و یا برعکس، خیلی پرحرف و اجتماعی‌تر از قبل شده است. اگر این نشانه‌ها را در فرزندتان دیدید، اصلاً نترسید؛ چراکه این وضعیت کاملاً طبیعی است!»

او ریشه اصلی این دگرگونی‌ها را در تغییرات زیستی بدن می‌داند و ادامه می‌دهد: «در دوران بلوغ، مغز و بدن نوجوان تحت‌تأثیر مستقیم هورمون‌ها قرار می‌گیرد. هورمون‌هایی مانند استروژن در دخترها و تستوسترون در پسرها، شروع به بالا و پایین رفتن می‌کنند و همین نوسان‌های هورمونی، باعث بروز یک‌سری تغییرات جدی در احساسات و رفتارهای نوجوان می‌شود.»

فرمان مغز هنوز در دست هیجانات است

شاید برایتان پیش آمده باشد که از یک تصمیم عجولانه یا حرف حساب‌نشده فرزند نوجوان‌تان حیرت کنید و بپرسید «چرا قبل از حرف زدن فکر نمی‌کند؟». این درمانگر در پاسخ به این چالش رایج والدین، به ساختار مغز در این سن اشاره کرده و توضیح می‌دهد: «در این دوران شاهد تغییرات مغزی مهمی هستیم. قسمتی از مغز که مسئول کنترل احساسات و تصمیم‌گیری است و به آن قشر پیش‌پیشانی می‌گویند، در سنین نوجوانی هنوز به‌طور کامل رشد نکرده است.»

دقیقاً به همین دلیل است که نوجوان ممکن است بسیار هیجان‌زده تصمیم بگیرد، قبل از اینکه فکر کند حرفی را بزند، و یا حتی یک روز از چیزی خوشش بیاید و فردای همان روز، دیگر علاقه‌ای به آن نداشته باشد!»

بیدار شدن احساسات تازه و سردرگمی در دنیای رابطه‌ها

بخش دیگری از دغدغه والدین، تغییر نگاه نوجوان به پیرامونش و شکل‌گیری حساسیت‌ها و کنجکاوی‌های جدید است. این مشاور خانواده درباره تغییرات احساسی این دوره می‌گوید: «با بالا رفتن سطح هورمون‌ها در بدن، احساسات عاشقانه یا کنجکاوی نسبت به جنس مخالف نیز در وجود نوجوان بیدار می‌شود. باید بدانیم که این موارد هم بخشی از همان روند طبیعی رشد هستند و به نوجوان کمک می‌کنند تا خودش را بهتر بشناسد. اما از آنجایی که نوجوان هنوز در این زمینه تجربه‌ای ندارد، بسیار طبیعی است که در مواجهه با این احساسات جدید گیج شود یا حتی اشتباه رفتار کند.»

فرزندتان در حال رشد است!

وقتی همه این تغییرات دست به دست هم می‌دهند، اولین برچسبی که ممکن است در ذهن والدین شکل بگیرد، «سرکش شدن» یا «از دست رفتن» فرزند است؛ نگاهی که می‌تواند رابطه والد و فرزند را وارد یک جنگ فرسایشی کند.

سمیه فیروزی در پایان، یک توصیه کلیدی و مهم برای والدین دارد و خاطرنشان می‌کند: «نکته بسیار مهم برای پدر و مادرها این است که بدانند این تغییرات، به هیچ عنوان به معنی نافرمانی یا تغییر بچه نیست؛ بلکه فقط به این معناست که مغز و احساسات او در حال رشد کردن است. بنابراین در این روزهای پرنوسان، به‌جای قضاوت کردن فرزندتان، در کنارش بمانید، به حرف‌هایش گوش بدهید و کمکش کنید تا خودش را بهتر بشناسد.»

نزدیک شدن کشور به «چاه جمعیتی» با کاهش ازدواج و باروری

معاون برنامه‌ریزی، پایش و ارزیابی عملکرد ستاد ملی جمعیت با هشدار نسبت به کاهش نرخ باروری و افت آمار ازدواج در کشور گفت: نرخ باروری کل ایران به ۱.۳۴ رسیده و با تداوم روند فعلی، کاهش ازدواج، افزایش سن فرزندآوری و فاصله طولانی میان تولد فرزندان می‌تواند کشور را به آستانه «چاه جمعیتی» نزدیک کند.

سید حامد برکاتی در گفت‌وگو با ایرنا درباره وضعیت ازدواج و فرزندآوری در کشور افزود: جمعیت‌شناسان اصطلاحی با عنوان «چاه جمعیتی» دارند و به زمانی گفته می‌شود که میزان باروری به ۱.۳ برسد؛ یعنی اگر میزان باروری در کشوری کمتر از ۱.۳ برسد، خیلی قابل ترمیم نخواهد بود و نمونه‌های بسیاری در دنیا وجود دارد. از جمله علت‌های این موضوع می‌توان به عدم ازدواج و ازدواج در سن بالا اشاره کرد.

وی ادامه داد: در سال ۱۴۰۳ برای اولین‌بار در گیلان، تعداد تولدها از مرگ‌ها کمتر شد. این موضوع در سال ۱۴۰۴ در مازندران رخ داد و احتمالا این اتفاق در تهران، البرز یا سمنان نیز رخ می‌دهد. یعنی به سمتی می‌رویم که برای فرزندآوری ناچاریم سراغ روش‌های گرانی مانند فریز تخمک برویم.

معاون برنامه‌ریزی، پایش و ارزیابی عملکرد ستاد ملی جمعیت گفت: میزان باروری در استان گیلان مانند کره جنوبی حدود ۰.۸ است و با توجه به متوسط ۱.۳۴ کشوری، وضعیت نامناسبی دارد.

برکاتی بیان داشت: اکنون میزان باروری کل در کشور ۱.۳۴ است و در سال ۱۳۹۴ این میزان بیش از ۲.۱ بود. میزان ازدواج نیز از ۸۹۰ هزار در سال ۱۳۸۹ به حدود ۴۳۲ هزار مورد در سال جاری رسیده است.

وی افزود: اولین فرزندان به طور متوسط در کشور در سن ۲۸ سالگی و در تهران در سن ۳۰ سالگی والدین، متولد می‌شوند.

فاصله بین خواست جامعه و آنچه رخ می‌دهد زیاد است

معاون برنامه‌ریزی، پایش و ارزیابی عملکرد ستاد ملی جمعیت گفت: اولین فرزندان معمولاً حدود ۴.۶ سال پس از ازدواج و فرزند دوم، ۵.۵ سال بعد به دنیا می‌آیند؛ یعنی شیوه زندگی جامعه ایرانی به این سمت رفته که حدود ۱۰ سال طول می‌کشد تا اگر زوج بخواهد دو فرزند داشته باشد، این دو فرزند به دنیا بیایند.

برکاتی اظهار داشت: در پژوهش‌های متعددی از جوانان پرسیده شده که چند فرزند می‌خواهند و گفته‌اند که حدود ۲.۵ فرزند؛ اما فاصله بین خواست جامعه در سن باروری و آنچه اتفاق می‌افتد، به‌دلیل مسائلی مانند شغل، اقتصاد و فرهنگ بسیار زیاد است.

وی ادامه داد: موضوع جمعیت و خانواده مربوط به خود مردم است و حاکمیت باید تشویق کند اما مردم برای فرزندآوری نیازمند حمایت هستند که کارت امید مادر یکی از این حمایت‌ها محسوب می‌شود و باید تلاش کنیم میزان آن بیشتر شود. حمایت به معنی مسکن و شغل است؛ وقتی زوجین جوان، فرزنددار می‌شوند، باید به آنان کمک شود. این سیاست در ستاد ملی جمعیت وجود دارد و قانون هم از آن حمایت می‌کند.